

Thematic Analysis of the Implications of Surah Al-Tawbah on Political Treaties

Gholamreza Behroozi Lak¹, Ali Bakhtiari²

¹ Professor, Department of Political Science, Baqir al-olum University; Member of the Political Studies Association, Qom, Iran. behroozlak@gmail.com

² Master's degree, Department of Political Science, Baqir al-olum University, Qom, Iran (Corresponding author). lasarat.ali@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to conduct a thematic analysis of the implications of Surah Al-Tawbah concerning political treaties. In this regard, through two methods—theme analysis and topical interpretation—a comprehensive Islamic perspective on treaties has been provided by developing a network of treaty-related themes. By employing these methods, 19 basic themes concerning treaties and warfare, 4 organizing themes, and 2 overarching themes were identified. From this evaluation, the overarching policy of Surah Al-Tawbah regarding treaties was explained in two aspects: general rules and operational and tactical instructions related to treaties. This provided a clear understanding of the essentials of treaties from the Islamic viewpoint. The rules governing treaties and operational instructions mentioned in this Surah are as follows: 1. A treaty, under conditions determined by the authority, is desirable and necessary for strengthening the pillars of the system. 2. A governmental body must take responsibility for clarifying relations with entities outside the faith community, monitor these relations, and manage its calculations and planning based on the data from supervisory institutions. 3. None of the provisions of the agreement should impose humiliation or degradation on the faith community or the governing body, nor should they place them in a position of weakness, as Islam's view of treaties is instrumental, aimed at strengthening the system's foundation. 4. In the event of any violation or betrayal in the treaties, the opposing party should be dealt with firmly, so that they understand the consequences and refrain from making decisions in the future that could harm the political system. 5. During the treaty process, the Islamic government should establish an institution for organizing refugees from the enemies and use their training and education to promote and elevate the word of Tawhid (monotheism). 6. The governing authority and the faith community must monitor all enemy movements in pursuing the treaty's provisions and avoid any naive actions that might harm the system. Instead of naivety, rationality and adherence to the authority's instructions should guide their actions. 7. In the event of the opposing party breaking the covenant, the believers must defend the Islamic system and faith. One should not rely on divine intervention but instead actively participate in this reformative movement to be worthy of divine assistance.

Keywords: Thematic Analysis, Political Treaties, Surah Al-Tawbah.

Received: 2023-08-18 ; Received in revised form: 2023-10-11 ; Accepted: 2023-11-15 ; Published online: 2024-03-24

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.1974307.1972>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحلیل مضمونی دلالت‌های سوره توبه درباره معاهدات سیاسی

غلامرضا بهروزی لک^۱، علی بختیاری^۲

^۱ استناد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. behroozlak@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). lasarat.ali@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل مضمونی دلالت‌های سوره توبه درباره معاهدات سیاسی است. در این راستا، با دو روش تحلیل مضمون و تفسیر موضوعی، با رسیدن به شبکه مضامین معاهدات، نظر جامع اسلام ارائه شده است. با کاربست این دو روش، ۱۹ مضمون پایه در مورد معاهده و جنگ، و ۴ مضمون سازمان‌دهنده، و ۲ مضمون فراگیر بدست آمد که از برآورد آن، کلان سیاست سوره توبه در مورد معاهدات، در دو جنبه قواعد کلی و عام، و دستورات عملیاتی و تاکتیکی معاهدات تبیین گردید، و در سایه آن تبیین بایسته‌های معاهدات از نظر اسلام انجام شد. قواعد حاکم بر معاهدات و دستورات عملیاتی که این سوره بیان می‌کند، عبارتند از: (۱) معاهده در شرایطی که تشخیص آن با حاکمیت است، مطلوب بوده و برای تقویت ارکان نظام ضروری است. (۲) دستگاهی در حاکمیت باید مسئولیت شفاف‌سازی روابط خارج از جامعه ایمانی را به عهده بگیرد، و این روابط را رصد کند، و محاسبات و برنامه‌ریزی‌های خود را با توجه به داده‌های نهادهای نظارتی مدیریت کند. (۳) هیچ یک از بندهای توافقنامه نباید ذلت و خواری را بر جامعه ایمانی و دستگاه حاکمیت تحمیل کند، و آنها را در موضع ضعف قرار دهد، چراکه نگاه اسلام به معاهدات طریقی است، و برای تقویت ستون‌های نظام است. (۴) در صورت هرگونه کارشکنی و خیانت در معاهدات، با طرف مقابل به شدت برخورد شود، تا حساب کار دستشان بیاید، به نحوی که در محاسبات بعدی تصمیمی مبتنی بر اضرار بر نظام سیاسی نداشته باشند. (۵) نظام اسلامی باید در طول پروسه معاهده، نهادی جهت ساماندهی پناهندگان از دشمنان ایجاد کند، و از تربیت و آموزش آنها در تبلیغ و اعتلای کلمه توحید استفاده نماید. (۶) نظام حاکمیت و جامعه ایمانی باید تمام حرکت دشمنان را در پیگیری بندهای معاهده رصد کنند، و از هرگونه اقدام ساده‌لوحانه که جنبه اضرار به نظام را دارد، دوری نمایند، و به جای ساده‌اندیشی، عقلانیت و دستورات حاکمیت را مبنای کارهای خود قرار دهند. (۷) در صورت نقض عهد طرف مقابل، مومنین باید از حاکمیت دین و نظام اسلامی دفاع کنند. نباید انتظار کمک غیبی از سوی خدای متعال داشت، بلکه باید مردم در این حرکت اصلاحی قرار بگیرند، و امداد الهی را نصیب حال خود کنند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مضمون، معاهدات سیاسی، سوره توبه.

استناد به این مقاله: بهروزی لک، غلامرضا؛ بختیاری، علی (۱۴۰۳). تحلیل مضمونی دلالت‌های سوره توبه درباره معاهدات سیاسی. *سیاست متعالیه*.

ص ۷-۲۲. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.1974307.1972>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

تشکیل نظام سیاسی مدینه از سوی پیامبر اکرم(ص) محصول دوران گذاری است که از تجلی تربیت فردی در مکه شروع شد، و به تشکل سیاسی نظام‌گونه در مدینه ختم شد. پیامبر گرامی اسلام(ص) در ابتدا که از قدرت اجتماعی بالایی برخوردار نبودند، کارویژه خود را به کادرسازی در مکه محدود کرده، و اصحابی را به دور خود جمع کردند. آغاز حاکمیت از طرف ایشان با ضعف و نبود نیروی انسانی همراه بود، و از طرف دیگر، یهودیان و مشرکین در این نکته توافق داشتند، که پیامبر(ص) خطری برای هردو آنها است. لذا، آماده بودند که مشکلات را کنار بگذارند، و متحداً با هم در مقابل این دشمن بایستند. حضرت رسول(ص) برای اینکه بتواند خطرات را به حداقل برساند، معاهده و پیمان می‌بستند. به گواه تاریخ، برخی از پیمان‌ها را طرف مقابل، و برخی را خود ایشان نقض کرد، و تنها پیمان‌هایی می‌ماند که مدت‌دار بودند، و طرف مقابل آنها را نقض نکرد (حمیری، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۷-۳۴۰). سوره توبه به برخی از این معاهدات پرداخته و دستوراتی را در این زمینه بیان کرده است. در منابعی که در رابطه با معاهده وجود دارد، به طور کلی به نظرات اسلام پرداخته‌اند، و به طور خاص به دلالت‌های سیاسی سوره در رابطه با معاهدات پرداخته نشده است، همچنین با تمرکز بر یک سوره خاص و نیز با روش تفسیر موضوعی - مضمونی نبوده است. لذا، پژوهش حاضر درصدد است معاهدات در این سوره، به صورت مستقل و منسجم مورد بررسی قرار بگیرند.

۲. مفاهیم پژوهش

۱-۲. معاهدات سیاسی

واژه معاهده مشتق از «عهد» است، و این کلمه در لغت به معنای «العین و الهاء و الدال أصلُ هذا الباب عندنا دالٌّ علی معنی واحد، قد أوماً إلیه الخلیل. قال: أصله الاحتفاظُ بالشیء و إحداثُ العهدِ به» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۶۸) آمده است. اصل عهد، به معنای محافظت بر شیئی است. معاهده بر وزن مفاعله، از ابواب ثلاثی مزید به معنای مشارکت بوده، که در آن طرفین با هم کاری را انجام می‌دهند. این مفهوم در اصطلاح، یک توافقنامه بین‌المللی است که میان کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌شود (والاس، ۱۳۸۲: ص ۲۸۰). این معاهدات در موضوعات مختلف مورد توافق قرار می‌گیرند، که در پژوهش حاضر به معاهدات سیاسی صدر اسلام بین حاکمیت پیامبر و مشرکین پرداخته می‌شود.

۲-۲. سوره توبه

این سوره به نام‌هایی مانند «توبه» به مناسبت اشاره به توبه مشرکان در آیات پنجم، یازدهم و شانزدهم و ... و

«برائت» به مناسبت لفظ برائت در آیه نخست سوره، و بحث از بیزاری از مشرکان پیمان‌شکن مشهور شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۲۴۱). سوره توبه به نظر تمام مفسران و دانشمندان علوم قرآن، مدنی است. این سوره، که نشان از اقتدار کامل مسلمانان بر مشرکان دارد، روشن می‌کند که حوادث ذکر شده در آن، مربوط به دوران بعد از فتح مکه است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ص ۴۹۵-۴۹۷). حدود ۱۵ آیه از آیات سوره توبه را جزو آیات الاحکام برشمرده‌اند، که عبارتند از: حکم زکات و محل مصرف آن (اردبیلی، بی تا: ص ۱۸۳)، حکم جهاد و برداشته شدن وجوب آن از سه گروه (۶، ۲۹، ۴۱، ۸۱، ۱۲۳، ۹۱) (ایروانی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ص ۲۲۵-۲۴۳)، نجاست مشرکان (۲۸) (اردبیلی، بی تا: ص ۳۷). تمرکز پژوهش حاضر در این سوره، بر ۱۵ آیه ابتدایی این سوره است، چراکه توبه، از سوره‌های بلند قرآن کریم بوده، و از موضوعات مختلفی در آن سخن به میان آمده است. گزینش آیات مذکور از طریق مدلول مطابقی آیات، سیاق و شأن نزول انجام می‌گیرد.

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون، و مبانی تفسیر موضوعی، گردآوری داده‌ها انجام شده، و با ترکیب آن دو، دلالت‌های سیاسی سوره توبه در مورد معاهدات سیاسی مشخص می‌شوند.

۳-۱. تفسیر موضوعی

علامه جوادی آملی تفسیر موضوعی را اینگونه تبیین می‌کند: «مفسر آیاتی از قرآن را که حاوی يك موضوع است، بعد از جمع‌آوری، جمع‌بندی کرده، سپس به جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات در آن زمینه می‌پردازد و در مرحله نهایی بین دو جمع‌بندی به دست آمده از آیات و روایات، جمع‌بندی سومی به عمل می‌آورد تا بتواند آن را به عنوان نظر اسلام و قرآن و عترت ارائه دهد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۵۹). در تعریفی دیگر اینگونه آمده که «تفسیر موضوعی عبارت است از فهم و تبیین نظرگاه‌های قرآن در موضوعات و عرصه‌های مختلف با مراجعه مستقیم یا عرضه پرسش‌های بیرونی به قرآن و استنتاج از آن، پس از اصطیاد و استخراج آیات، و دسته‌بندی روشمند و استنتاج از آنها» (نصیری، ۱۳۸۴: ص ۷۳-۱۰۶).

۳-۲. تحلیل مضمون

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است که مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006: p.77-110).

مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (King & Horrocks, 2010: p. 150). مضامین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

پایه: به مضمونی گفته می‌شود که مبین عنصر و محور مهمی در متن است، که با ترکیب آنها مضمون سازمان‌دهنده به دست می‌آید.

سازمان‌دهنده: به مضامینی گفته می‌شود که واسطه بین مضامین فراگیر و پایه قرار می‌گیرند، و تسلسل و پیوند میان آنها را ایجاد می‌کنند.

فراگیر: به مضامینی گفته می‌شود که از دل مضامین سازمان‌دهنده استخراج می‌شود. این مضامین به دلیل شمولیت و جامعیت معنایی، گستره وسیعی از مضامین را در درون خود جای داده است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳).

در پژوهش حاضر موضوع «معاهده» از درون خود آیات سوره توبه مورد بررسی قرار گرفته، و از تحلیل آنها شبکه مضامین بدست آمد، و در پایان، با تشریح شبکه مضامین، راهبردها و سیاست‌های کلان نظام اسلامی در مورد معاهده ارائه شد.

۴. جدول شبکه مضامین

ابتدا مضامین پایه سوره توبه در مورد معاهدات استخراج گردید، و با تبدیل آن به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، موضوع محوری کشف شد. با بررسی آیات مربوط به معاهدات، شبکه مضامین زیر بدست آمده است (جدول ۱).

جدول ۱- شبکه مضامین سیاسی سوره توبه

| | | | |
|-------------------------------------------------|------------------------------------------------|----------------------------|-------------------------------------------------------------------------|
| تبیین بایسته‌های معاهدات از نظر اسلام | قواعد کلی و عام حاکم بر معاهدات سیاسی | راهبردهای سیاسی معاهدات | روایی پایان‌بخشی به معاهدات در زمان اقتدار / آیه (۱) |
| | | | روایی معاهده در دوران تثبیت حاکمیت / آیه (۱) |
| | | | تناسب شرایط زمانی و مکانی / آیه (۳) |
| | | | اصل بدیندی در تنظیم عهدنامه با دشمن / آیه (۷، ۸، ۹، ۱۰) |
| | | | عمل‌گرایی و پابندی در مقابل پابندی / آیات (۷، ۸، ۱۱) |
| | | | بهره‌گیری از پیمان‌های زمان‌دار و بدون مدت / آیه (۴) |
| | | | اختصاص لغو پیمان‌ها با رهبر و حاکمیت / آیه (۱) |
| | | | ذم ساده‌اندیشی و مصلحت‌اندیشی غیرمعقول در تصمیم‌های کلان / آیات (۸، ۱۳) |
| شفاف‌سازی روابط خارجی در جامعه ایمانی / آیه (۳) | | | |

| | | | |
|-----------------------------------|------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------|
| | | رصد تحرکات طرف | نظارت بر کارشکنی و کم‌کاری طرف مقابل / آیه (۵) |
| | | مقابل و واکنش مناسب با عملکرد او | واکنش مناسب در مقابل کارشکنی‌ها / آیه (۵) |
| دستورات عملیاتی و تاکتیکی معاهدات | سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمان معاهده | دادن فرصت زمانی برای تبیین و شفاف‌سازی برای مقابله / آیه (۲) | ایجاد شبکه پناهندگی و برنامه‌ریزی حاکمیت برای تبلیغ / آیه (۶) |
| | | | بصیرت‌افزایی‌ی‌آحاد جامعه ایمانی / آیات (۷، ۸، ۹، ۱۰) |
| | بایسته‌های عملی بعد از پایان عهد | قتال با مشرکین بعد از پایان عهد / آیات (۵، ۱۴) | فازبندی عملکردهای سلبی در مقابله با دشمن / آیه (۵) |
| | | برخورد، یکی از راه‌های بازدارندگی / آیه (۱۲) | عدم ترسیدن از نقض عهد و جهاد در صورت کارشکنی / آیه (۱۳) |
| | | | فعال بودن مومنین در میدان مبارزه / آیات (۱۴، ۱۵) |
| | | | |

۴-۱. تحلیل شبکه مضامین

در جدول شبکه مضامین، (۱۹) مضمون پایه، (۴) مضمون سازمان‌دهنده، و (۲) مضمون فراگیر استخراج گردید. از آنجا که (۱۹) مضمون پایه مستقیماً از آیات استخراج شده است، تلاش می‌شود که در ذیل هر مضمون سازمان‌دهنده، به مضامین پایه مربوط به آن رسیدگی شده و به صورت تفصیلی بیان شود. درنهایت، آنچه که در تحلیل شبکه مضامین حائز اهمیت بوده و یافته اصلی پژوهش است، تبیین ارتباط مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر می‌باشد، که بیان‌کننده موضوع محوری صدر آیات سوره توبه است. با بررسی این ۱۵ آیه، (۴) مضمون سازمان‌دهنده و (۲) مضمون فراگیر در رابطه با این آیات بدست آمد.

۴-۱-۱. قواعد کلی و عام حاکم بر معاهدات سیاسی

پرسی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا «قواعد کلی و عام حاکم بر معاهدات سیاسی» به عنوان یک مضمون فراگیر انتخاب شده است. پاسخ به این پرسش که همان تحلیل مضامین فراگیر به حساب می‌آید، این است که دو مضمون سازمان‌دهنده ما را به این نکته رهنمون کرد که یک‌سری دستورات و سیاست‌های عام حاکم بر معاهدات مدنظر متن معاهدات است. این دو مضمون سازمان‌دهنده عبارتند از:

الف) راهبردهای سیاسی معاهدات: بعضی از طوائفی که با پیامبر(ص) پیمان بسته بودند، یک‌جانبه و بدون هیچ مجوزی پیمان‌شان را به خاطر همکاری آشکار با دشمنان اسلام شکستند، و یا درصدد از میان بردن رسول خدا(ص) برآمدند، همانند یهود بنی‌نضیر و بنی‌قریظه، پیامبر(ص) هم در مقابل آنها شدت عمل به خرج داد، و همه را از مدینه طرد کرد، ولی قسمتی از پیمان‌ها هنوز به قوت خود باقی بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷،

ص ۲۸۲). حال سیاست‌هایی از مضامین بدست آمده از سوره توبه قابل استفاده است، که عبارتند از:

(۱) **روایی معاهده در دوران تثبیت حاکمیت:** یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حاکم بر معاهدات، روایی معاهده در زمان ضعف حاکمیت است. طرف معاهده در این آیات، مشرکین هستند. مشرکینی که تاریخ اسلام از آنها چیزی جز آسیب‌زنی و ضرر زدن به اسلام به یاد ندارد. مشرکین به گواهی آیات قرآن و تاریخ فریقین، اسلام را مخالف منافع خود می‌دیدند، و درصدد بودند که بارها شخص حضرت رسول(ص) را ترور کنند. حضرت رسول(ص) برای دفع خطرات، معاهداتی را تنظیم نمودند، و روایی آن را در زمان ضعف نظام اسلامی برای ما ثابت کردند.

(۲) **روایی پایان‌بخشی به معاهدات در زمان اقتدار:** با اقتدار نظام اسلامی، و فتح مکه که در پی نقض پیمان حدیبیه صورت گرفته بود، ضربه سهمگینی بر هیمنه مشرکین آن روز وارد شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۲۰۴، ۲۳۹-۲۴۴). در فضایی که این اقتدار رفته‌رفته بیشتر می‌شد، خدای متعال دستور «برائت» و پایان‌بخشی به معاهدات را داد.

(۳) **تناسب شرایط زمانی و مکانی:** یکی دیگر از نکاتی است که در اثرگذاری و نتیجه‌بخشی معاهده تاثیرگذار است، رعایت اقتضائات زمانی و مکانی است. زمان و مکانی که آیه به آن اشاره کرده، «یوم الحج الاکبر» است، که بین مفسرین در تعیین آن اختلاف است. علامه طباطبائی فرموده‌اند، مراد روز دهم ذی‌الحجه از سال نهم هجرت است، چون در آن روز بود که مسلمانان و مشرکان یک‌جا اجتماع کرده و هر دو طایفه به حج خانه خدا پرداختند و پس از آن سال، دیگر هیچ مشرکی حج انجام نداد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۴۹). قدر مشترکی که می‌توان از اقوال در نظر گرفت، این است که زمان و مکان، خصوصیتی داشته است، که جمعیت و افراد زیادی در اطلاع این سیاست قرار بگیرند.

(۴) **اصل بدینی در تنظیم عهدنامه با دشمن:** عهد با مشرکین در آن دوره، ابزاری برای رسیدن به قدرت، و تبدیل تهدید به فرصت بود. سیاق این آیه که دربرگیرنده استفهام تویخی است، به مومنین و دستگاه حاکمیت گوشزد می‌کند که چطور توقع دارید با مشرکین عهدی داشته باشید؟! (شاذلی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۶۰۵). برخی از آیات توجه مومنین و حاکمیت را به سوی ماهیت خبیثانه و کینه‌توزانه مشرکین جلب می‌کند، و بیان می‌دارد که «كَيْفَ وَاِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْنَا لَمْ يَرْفُؤْا فَيْكُمُ اِلَّا وَا لَا دِمَّةَ يَرْضُونَكُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ وَ تَابِي قُلُوبُهُمْ وَا كَثُرُهُمْ فَاِسْقُونَا»، چگونه ممکن است عهد و پیمان آنها را محترم شمرد، در حالی که اگر آنها بر شما غالب شوند، هیچ‌گاه نه مراعات خویشاوندی با شما را می‌کنند و نه پیمان را؟! اگر جبهه مشرکین یک مقدار جان بگیرند، و بتوانند با شما درگیر بشوند، و خودشان را نشان دهند، هیچ ملاحظه‌ای در حق مومنین و دستگاه حاکمیت

نخواهند کرد (شاذلی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۶۰۵).

لذا، این آیه شریفه به زبان بسیار واضح بیان می‌کند که اگر اینها قدرت بگیرند «لا یَرْقُبُوا فِیْكُمْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً» اصل «ال»)، به معنای یک مطلب چشم پُرکن و درخشنده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۱). یکی از چیزهایی که خیلی چشم پُرکن است، و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند، مسئله قرابت است، که در آیات بعد نیز این نکته را متذکر می‌شود که «لا یَرْقُبُونَ فِیْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً»، هیچ ملاحظه‌ای نسبت به قرابت و خویشاوندی و عهد ندارند.

۵) پایبندی در مقابل پایبندی: «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِمْوْا لَهُمْ»، در صورت پایبندی دشمن به بندهای معاهده، شما هم پایبند باشید. به تعبیر دیگر، التزام به این معاهده از ابتدا مشروط است، و اینکه طرف مقابل به موارد معاهده عمل کند. بنابراین، معاهده تا جایی احترام دارد، که طرف مقابل آن را محترم بشمارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ص ۵۸). البته در معاهدات، گاهی اوقات شرایطی پیش می‌آید که ایجاب می‌کند، طرفین یک مقدار عقب‌نشینی کنند؛ در این موارد هم باید طبق این راهبرد عمل کرد، و در صورت عقب‌نشینی یک طرف، طرف دیگر هم عقب‌نشینی داشته باشد؛ به بیان دیگر، شرایطی باشد که طرفین از حق طبیعی خود استفاده نکنند، نه اینکه فقط یک طرف عقب‌نشینی داشته باشد، و کوتاه بیاید؛ چراکه ظهور آیه در «استقامت» این معنا را می‌رساند که هر دو طرف از یک چیزی بدشان می‌آید، و قرار است آن را تحمل کنند.

۶) بهره‌گیری از پیمان‌های زمان‌دار و بدون مدت: پیمان‌هایی که آیات از آنها حکایت دارد، دو نحو است، یکی مدت‌دار «الی مدّتهم» است، و دیگری پیمان «بدون مدّت» و همیشگی است که در ارتباط با مشرکینی بود که عهد خود را نشکسته بودند، ولی خداوند دستور «شکستن عهد» داد. زمان و بازه زمانی، در ثمردهی پیمان‌ها و نتیجه‌بخشی آنها موثر است، و سیره عقلا و ارتکازات عقلایی این تاکتیک را تأیید می‌کند.

۷) اختصاص لغو پیمان‌ها با رهبر: خدای متعال به عنوان حاکم مطلق و رسول‌الله به عنوان حاکم از جانب ایشان- به عنوان شخصیت حقوقی- مسئولیت اعلام «پایان‌بخشی پیمان‌ها» را دارند. به لحاظ تاریخی، آیات برائت در پایان سال نهم هجری نازل شد و پیامبر(ص) مأمور شد در ذی‌الحجه همان سال، هنگام اجتماع مشرکان در مکه، آیات را به آنان ابلاغ کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳). پیامبر(ص) ابوبکر بن ابی‌قحافه را فراخواند و او را فرستاد تا آیات را برای مردم مکه بخواند. سپس پیامبر(ص) امام علی(ع) را فراخواند و فرمود، به دنبال ابوبکر برو و هر جا به او رسید، نوشته را از او بگیرد و آن را به سوی مردم مکه ببرد و بر آنان بخواند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۶).

۸) ذمّ ساده‌اندیشی و مصلحت‌اندیشی غیر معقول در تصمیم‌گیری کلان: یکی از راهبردی‌ترین مضامین این آیات در رابطه با معاهده، نکوهش ظاهر بینی و مصلحت‌اندیشی‌های غیر معقول و ساده‌اندیشی است. «يُرْضُونَكُمْ بِأَقْوَاهِهِمْ وَتَأْتِي قُلُوبُهُمْ»، این فراز از آیه، مسئله مهمی را در جهت دشمن‌شناسی مومنین و حاکمیت گوشزد می‌کند، و آنها را به دقت مضاعف در رابطه با شناسایی دشمن فرامی‌خواند. مشرکین کسانی هستند که «شما را با زبانشان راضی می‌کنند، حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد». به عبارت دیگر، ظاهرشان یک نمود دارد، و باطنشان بروز دیگری دارد؛ ظاهرشان اظهار موّدت، دوستی و دلسوزی است، ولی در باطن، بذر انتقام و کینه را پرورش می‌دهند، تا در فرصت مناسب ثمره این بذر را دریافت کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ص ۵۳۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۵، ص ۱۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۲ق: ج ۱۰، ص ۳۱).

در پایان آیه نیز به اطاعت‌پذیر نبودن و منحرف بودن مشرکین اشاره می‌کند، و اینکه اساساً این افراد کسانی نیستند که با شما همراه و هم عقیده باشند، لذا، برخورد با آنها نباید از روی ساده‌اندیشی و نابخردی باشد؛ چراکه «اکثرهم فاسقون»، اساساً مشرکین اطاعت‌پذیری ندارند و منحرف هستند. عدم اطاعت مشرکین به این خاطر است که «اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»، آیات الهی را به بهای اندکی می‌فروشدند، و رسیدن به منافع مادی و سیادت دنیوی برای آنها در اولویت است، لذا «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ لذا، در مقابل اندیشه‌های دینی و عملکرد دینی می‌ایستند، و با هر خط‌مشیء دینی مخالف هستند، و مانع گسترش آن می‌شوند.

۹) شفاف‌سازی روابط خارجی در جامعه ایمانی: حاکمیت باید پیمان‌ها و عهد را برای جامعه شفاف‌سازی کند، و از آثار و نتایج آن، مردم را مطلع نماید. این کار دو ثمره برای حاکمیت دارد؛ یکی اینکه مردم را پشتیبان خود قرار می‌دهد، و می‌تواند در اوقات ضروری از حمایت آنها بهره‌بردارد، و دیگری اینکه خود شفاف‌سازی سبب بالا بردن سطح آگاهی مردم نسبت به آرمان‌های حاکمیت می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ص ۵۲۵).

ب) رصد تحرکات طرف مقابل و واکنش مناسب با عملکرد او: یکی دیگر از قواعد عام و دستوراتی که آیات بیان می‌دارند، نظارت بر عملکرد طرف مقابل و توان شناسایی آن از راه‌های مختلف و مواجهه صحیح و معقول با عملکرد او است. مضامین پایه زیر بر این مضمون سازمان‌دهنده دلالت می‌کنند:

۱) نظارت بر کارشکنی و کم‌کاری طرف مقابل: فراز آیه «ثُمَّ لَمْ يَنْفُصُواكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا»، بیان می‌دارد که نباید نقص اتفاق بیفتد، و وضعیت به گونه‌ای شود که بر شما سلطه پیدا کنند. نقص به معنای کم‌کاری در توافق است. این نقص در زمان حضرت رسول(ص) به صورت مستقیم و غیرمستقیم اتفاق

می‌افتاد، یکی مستقیم است، مانند کشتن مسلمانان، و دیگری غیرمستقیم نظیر کمک نظامی به کفار علیه مسلمین؛ همچنان که مشرکین مکه بنی بکر را علیه خزاعه کمک کردند، چون بنی بکر با قریش و خزاعه با رسول خدا(ص) پیمان نظامی داشتند، و چون رسول خدا(ص) با بنی بکر جنگید، قریش قبيله نامبرده را کمک نموده و با این عمل خود پیمان حدیبیه را که میان خود و رسول خدا(ص) بسته بودند، شکستند، و همین معنا خود یکی از مقدمات فتح مکه در سال ششم هجری بود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۲ق: ج ۱۰، ص ۲۰؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۶۰).

۲) واکنش مناسب در مقابل کارشکنی‌ها: سیره عقلا، بسته به ضروری که کارشکنی‌ها ایجاد می‌کند، واکنش مناسب برای آن می‌پذیرند، و از طرف دیگر پایبندی به عهد را در زمان پایبندی طرف مقابل روامی‌دارند. حاطب‌بن‌ابی‌بلتعه برای حفظ خانواده‌اش جاسوسی کرد و با این کار می‌خواست خانواده‌اش مصون بماند و پیامبر(ص) هم او را عفو کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ج ۱۸، ص ۴۹۱). از طرفی، خیانت‌هایی درصدد است کیان مسلمین را به خطر بیاندازد. یهود «مدینه» مکرر با پیامبر(ص) پیمان بستند و پیمان خویش را ناجوانمردانه شکستند، و قرآن راهی برای پیامبر(ص) باز کرد، و اینکه «اگر آنها را در میدان جنگ بباید، اسلحه به دست گیرند و در برابر تو بایستند، آنچنان آنها را در هم بکوب، که کسانی که در پشت سر آنها قرار دارند، عبرت گیرند، پراکنده شوند و عرض اندام نکنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۱۴-۲۱۹).

۴-۱-۲. دستورات عملیاتی و تاکتیکی معاهدات

در تحلیل مضمون فراگیر اول، این نتیجه به دست آمد که سوره توبه برای پیشبرد حرکت اصلاحی دین در عرصه معاهدات، یک سری قواعد و دستورات کلان را برای حاکمیت دیکته کرد، تا با در نظر گرفتن آنها مسیر حرکت اصلاحی پیامبر(ص) هموارتر شود. حال، در عرصه اجرا و عملیاتی کردن این قواعد و دستورات، قواعدی به صورت تطبیقی بیان می‌شود، که از دو مضمون سازمان‌دهنده در این تحلیل استفاده می‌شود. این دو مضمون سازمان‌دهنده عبارتند از:

الف) سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در زمان معاهده

۱) دادن فرصت زمانی برای تبیین و شفاف‌سازی برای مقابله: قبل از برخورد قطعی و صریح با دشمن، فرصت تبیین و پاسخ به شبهات آنها را بدهیم. قرآن کریم این فرصت را با تعبیر کنایی «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» بیان می‌کند، که مفاد آن، این است که در این چهار ماه نباید به آنها تعرضی شود و باید بین زندگی و مرگ، یک گزینه را انتخاب کنند.

۲) برنامه‌ریزی حاکمیت برای تبلیغ و ایجاد شبکه پناهندگی: آیات این مضامین متعرض حکم پناه دادن به

مشرکین است که پناه‌خواهی می‌کنند، و می‌فرماید: «پناهشان بدهید تا کلام خدا را بشنوند»؛ تفسیر نمونه، این مسئله را چنین تبیین می‌کند که «این آیه تردیدی باقی نمی‌گذارد که هدف اسلام از این دستور، تعمیم توحید و آئین حق و عدالت است، نه استعمار و استثمار و قبضه کردن اموال یا سرزمین‌های دیگران» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۲۹۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ص ۱۲). به طور کلی اصولی که می‌توان از این آیه استفاده کرد، عبارتند از:

♦ تصمیم به قتال، باید بعد از تبیین معارف و تبلیغ و دعوت صورت بگیرد.

♦ منظومه حاکمیتی اسلام، باید برای تبلیغ دین نسبت به دیگران برنامه داشته باشد، و این امر را طی اهدافی دنبال کند.

۳) بصیرت‌افزایی آحاد جامعه ایمانی: بی‌مهری و نقض عهد مشرکین به این خاطر است که شما می‌خواهید نسبت به خدا و دین خدا ایمان داشته باشید، و در مسیر اصلاحی حرکت کنید، ولی آنها «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً»، این افراد کسانی هستند که درباره هیچ مؤمنی مراعات خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند، چراکه آنها پذیرای دین نیستند، و بقای دین را مساوی با فناى خود می‌بینند (ابوزهره، بی‌تا: ج ۶، ص ۳۲۳۹). توجه به فقرات «لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً» و «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً» آیات ۸ و ۱۰ سوره توبه حاکی از آن است که مخاطب در آیه تغییر کرده است؛ چراکه فضای نزول آیات مربوط به زمانی است که حاکمیت شکل گرفته بود، و از آنجایی که معاهده مربوط به امور حاکمیتی است، خدای متعال در آیه ۸ حاکمیت را مورد خطاب قرار می‌دهد، و بعد در آیه ۱۰، برای معرفت‌بخشی به آحاد مردم ریشه اصلی دشمنی مشرکین را بیان می‌کند، که همان ایمان است. در پایان آیه نیز به روحیه حاکم بر مشرکین اشاره می‌کند، و نکته همه انحرافات ظاهری و باطنی را تجاوزگری و سرکشی آنها می‌داند («وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ».

ب) بایسته‌های عملی بعد از پایان عهد

۱) قتال با مشرکین بعد از پایان عهد: بعد از پایان عهد، و فرصتی که به مشرکین داده شد، آنها محکوم به قتال هستند. سید قطب در این باره اینگونه می‌نویسد که «این ارباب (دستور به قتل) و ترغیب (مهلت)، اشاره به معصومیت ماهیت رویکرد اسلامی دارد، و این یک روش راهنمایی و هدایت است» (شاذلی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۵۹۹).

۲) فازبندی عملکردهای سلبی در مقابله با دشمن: این مضامین به مراتب صریح‌تر و قاطعانه‌تر از آیات قبل، به لحاظ برخورد با مشرکین است. در این آیه آمده است که بعد از پایان عهد، به بدترین نحو باید با مشرکین برخورد شود، «فَإِذَا نَسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ». بعد آیه درصدد بیان

تفصیلات نحوه برخورد است که «وَاِخْضَرُوهُمْ وَاحْضُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ». به بیان دیگر، شیوه‌های مشروع برخورد را تبیین می‌کند که عبارت است از: قتل، اسارت، کمین زدن. این آیه بار دیگر، بر داشتن یک دستگاه اطلاعاتی قوی و بانفوذ تأکید دارد که همه تحرکات دشمن را قبل از معاهده، در معاهده و بعد از معاهده کنترل کند. علامه طباطبائی در رابطه با این آیه می‌فرماید: «جمله فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»، که نشان‌دهنده برائت و بیزاری از مشرکین است و می‌خواهد احترام را از جان‌های کَفَّار برداشته و خون‌هایشان را هدر سازد، و می‌فرماید: بعد از تمام شدن آن مهلت، دیگر هیچ مانعی نیست از اینکه آنان را بکشید، نه حرمت حرم و نه احترام ماه‌های حرام، بلکه هر وقت و هر کجا که آنان را دیدید، باید به قتل‌شان برسانید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۱).

البته نحوه برخورد در برخی روایات تبیین گردیده، و حدّ و مرزی برای آن تعیین شده است. حضرت علی(ع) در جنگ صفین خطاب به یاران خود توصیه کردند که «فلا تقتلوا مدبراً و لا تصیبوا معوراً و لا تجهزوا علی جریح و لا تهیجوا النساء باذی و ان شتمن اعراضکم و سببن امرانکم»، فراریان را نکشید، و بر ناتوان‌ها ضربه نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید، و با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید، هرچند به شما دشنام دهند، و به سران‌تان ناسزا گویند (ابن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ص ۲۰۴). در بیان دیگری می‌فرماید: «وَمَنْ اَغْلَقَ بَابَهُ وَ اَلْقَى سِلَاحَهُ فَهُوَ اَمِنٌ»، کسی که در حین جنگ، در خانه‌اش را بست، و اسلحه‌اش را زمین افکند، ایمن است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۲) در ذیل این آیه نیز به این مطلب اشاره شده که «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ»، تخلیه سبیل، کنایه از عدم تعرّض به کسانی است که رجوع واقعی به دین الهی داشتند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۵۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۲ق: ج ۱۰، ص ۲۴).

۳) برخورد، یکی از راه‌های بازدارندگی: به حکم این مضمون، در زمان مناسب، برخورد قاطع با کسانی که نقض عهد کردند، داشته باشند، و از این اهرم بازدارندگی سیاسی - اجتماعی استفاده کنند. ظاهر بدوی آیه ۱۲ سوره توبه این است که دو علت را برای فراهم شدن فضای جنگی و جهاد در بستر معاهده بیان می‌کند، که یکی «نکث ایمان» و دیگری «طعن فی الدین» است. خدای متعال در خطاب به حاکمیت می‌فرماید، نقض عهد، یکی از مجوّزهای قتال است، به این معنا که، اگر حرکاتی از معاهد سر زد، که ضدّ مفاد معاهده بود، عهد با آنان دیگر ارزش ندارد، و آماده قتال و درگیری با آنها شوید. یکی دیگر از اسباب قتال، طعن فی الدین است؛ طعن، در لغت عرب به معنای زدن با نیزه، و وارد کردن ضربه کاری به طرف مقابل است، که معمولاً این ضربه با مرگ طرف همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۲۰).

از ظاهر آیه استفاده می‌شود که «نقض عهد» یکی از مصادیق «طعن فی الدین» است، به عبارت دیگر، آیه

بیانگر دو علت برای قتال نیست، بلکه سبب اصلی «طعن فی الدین» است، و «نقض عهد» یکی از اشکال طعن است. آیه بیان می‌کند که دشمنان به دنبال وارد کردن ضربه کاری بر دین هستند، تا با نفی دین، بقای خود را تضمین کنند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ص ۱۶). در مقابل این افراد، دستور «فقاتلوا ائمة الکفر» صادر می‌شود، البته این دستور به معنای فعلی کردن جهاد با آنها نیست، بلکه تشخیص این مسئله با حاکمیت است. بنابراین، دستور قتال آیه را می‌توان یکی از راهبردهای حاکمیت در مقابل دشمن دانست، به این معنا که گزینه نظامی همیشه روی میز است، و با صلاح‌دید حاکمیت، به فعلیت می‌رسد. نفس این تصمیم و راهبرد، محاسبات طرف مقابل را به هم می‌زند، و او را در تصمیماتش محتاط می‌کند، و بازدارندگی را نسبت به حاکمیت تکمیل می‌کند، «لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۹). نکته دیگری که این آیه بر آن دلالت دارد، تعبیر «ائمة الکفر» است. این تعبیر بیان می‌کند که با سران فتنه و انحراف برخورد کنید، چراکه توده مردم به دنبال آنها هستند، و از آنان پیروی می‌کنند؛ زیرا عمده جریان‌های انحرافی دارای تشکیلات فکری و انسانی هستند، و راهبردها و تصمیمات کلان را سران تعیین می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ص ۵۴۸).

۴) عدم ترسیدن از نقض عهد و جهاد در صورت کارشکنی: اسلوبی که این آیه برای بیان مقصود مذکور استفاده می‌کند، استفهام انکاری است؛ به این معنا که چرا و برای چه نمی‌جنگید؟ آن هم با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند، و عزمشان را بر بیرون کردن پیامبر (ص) از وطنش جزم کردند، و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند، آیا از آنان می‌ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. آیه سیزدهم به دو مبرر دیگر فریضه جهاد اشاره می‌کند، مبنی بر اینکه مشرکین بودند که تصمیم به اخراج حضرت رسول (ص) از وطنش گرفتند، و ضمناً آنها شروع‌کننده جنگ بودند؛ کانه این آیه می‌گوید که چرا در برخورد با دشمنی که دشمنی‌اش ثابت شده است، کوتاهی می‌کنید.

۵) فعال بودن مومنین در میدان مبارزه: آیات پایانی مربوط به معاهدات، برای تشویق مومنین در برخورد با ناکثین، به یک بیان فطری و سنت تاریخی اشاره می‌کند، که در تاریخ ادیان و بلکه بشر اتفاق نیفتاده است. هر جایی که پروژه اصلاحی در کار باشد، خدای متعال آن را با امر غیبی حل کند، بلکه برای رسیدن به مطلوب، تلاش جمعی جوامع، لازمه مهم رستگاری جامعه است. به تعبیر دیگر، نباید در مقابل کسی که می‌خواهد حرکت اصلاحی را متوقف کند، دعا کنیم، چله بگیریم، نذر کنیم... چنین چیزی نیست. باید مومنین آمادگی لازم را در مقابله با هر تهدیدی - نظامی، فکری، امنیتی، و... - کسب کنند، و با توکل بر قاهریت خدای متعال، امور را پیش ببرند. آیه بعد، از زاویه دیگری به تشویق مومنان می‌پردازد، و آنان را به جهاد دعوت می‌کند؛ و آن مسئله ابتلاء و امتحان مومنین است، و اینکه در سایه جهاد، می‌توان مومنین را در بوته آزمایش

قرار داد، و ایمان واقعی آنها را سنجید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۶۰، ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۵، ص ۱۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۲ق: ج ۱۰، ص ۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ج ۵، ص ۵۵۱).

۵. نتیجه گیری

از گردآوری مضامین پژوهش حاضر می‌توان منشوری نظام‌مند در رابطه با موضوع معاهده و پیمان ارائه کرد، و در سایه آن، که برگرفته از قرآن کریم است، منافع خارج از نظام حاکمیت اسلامی را تأمین کرد. خلاصه قواعد حاکم بر معاهدات و دستورات عملیاتی که این سوره بیان می‌کند، عبارتند از:

(۱) ایده معاهده، یکی از ابزارهای رسیدن به هدف است، و هدف، اعتلای کلمه توحید در دنیا است. لذا، نگاه اسلام به معاهدات، یک نگاه طریقی و به عنوان قطعه‌ای از پازل حرکت اصلاحی دین است. از این رو، معاهده در شرایطی که تشخیص آن با حاکمیت است، مطلوب بوده و برای تقویت ارکان نظام ضروری است.

(۲) دستگاهی در حاکمیت باید مسئولیت شفاف‌سازی روابط خارج از جامعه ایمانی را به عهده بگیرد، و این روابط را رصد کند، و محاسبات و برنامه‌ریزی‌های خود را با توجه به داده‌های نهادهای نظارتی مدیریت کند.

(۳) هیچ یک از بندهای توافقنامه نباید ذلت و خواری را بر جامعه ایمانی و دستگاه حاکمیت تحمیل کند، و آنها را در موضع ضعف قرار دهد، چراکه نگاه اسلام به معاهدات طریقی است، و برای تقویت ستون‌های نظام است.

(۴) در صورت هرگونه کارشکنی و خیانت در معاهدات، با طرف مقابل به شدت برخورد شود، تا حساب کار دستشان بیاید، به نحوی که در محاسبات بعدی تصمیمی مبتنی بر اصرار بر نظام سیاسی نداشته باشند.

(۵) نظام اسلامی باید در طول پروسه معاهده، نهادی جهت ساماندهی پناهندگان از دشمنان ایجاد کند، و از تربیت و آموزش آنها در تبلیغ و اعتلای کلمه توحید استفاده نماید.

(۶) نظام حاکمیت و جامعه ایمانی باید تمام حرکت دشمنان را در پیگیری بندهای معاهده رصد کنند، و از هرگونه اقدام ساده‌لوحانه که جنبه اصرار به نظام را دارد، دوری نمایند، و به جای ساده‌اندیشی، عقلانیت و دستورات حاکمیت را مبنای کارهای خود قرار دهند.

(۷) در صورت نقض عهد طرف مقابل، مومنین باید از حاکمیت دین و نظام اسلامی دفاع کنند، چراکه هیچ حرکتی از ابتدای تاریخ بشر تا به الآن بدون عملکرد آحاد مردم و دستگاه حاکمیت جلو نرفته است، لذا، نباید انتظار کمک غیبی از سوی خدای متعال داشت، بلکه باید مردم در این حرکت اصلاحی قرار بگیرند، و امداد الهی را نصیب حال خود کنند.

منابع

قرآن کریم:

- ابن اثیر (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر، ج ۲.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۲ق). *التحریر و التتویر*. بیروت: مؤسسة التاریخ، ج ۱۰.
- ابن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۴.
- ابوزهره، محمد (بی تا). *زهرة التفاسیر*. بیروت: دارالفکر، ج ۶.
- اردبیلی، مقدس (بی تا). *زبدة البیان*. تهران: المکتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریه.
- ایروانی، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الاحکام*. بیروت: المکتبة العصریه، ج ۱.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). *شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*. قم: تمهید.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *جامعه در قرآن*. قم: اسراء.
- حمیری، عبدالملک (بی تا). *السیرة النبویة*. تهران: دارالمعرفه، ج ۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی بیروت، ج ۲.
- شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق، ج ۳.
- شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین*. اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۵: ص ۱۵۱-۱۹۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۹.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصرخسرو، ج ۵.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱۰.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۵.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ج ۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۷.
- نصیری، علی (۱۳۸۴). *مبانی کلامی تفسیر موضوعی*. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- والاس، ربکا (۱۳۸۲). *حقوق بین الملل*. سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). *تفسیر راهنما*. قم: بوستان کتاب، ج ۱۸.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), p. 77-101.

King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London: Sage.